



بررسی تطبیقی باد صبا در دیوان ابن فارض و ملای جزیری

احمد شریعت‌پناه

دانش آموخته دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات عرب، پژوهشگر آزاد^۱

DOI:

بهرواری وه‌گرتن: ۲۰۲۵/۵/۴

بهرواری قیوول: ۲۰۲۵/۸/۱۰

صفحات: ۱۱۳-۱۳۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱۹

چکیده

باد صبا یکی از مباحث مهم در موضوعات عرفان اسلامی است که شایان پژوهش هست، به‌گونه‌ای که شعرای اهل عرفان و تصوف، در اکثر دیوان اشعار خود به‌صورت گسترده به موضوع باد صبا پرداخته‌اند. دیوان شاعر عارف عرب‌زبان، ابن فارض (۵۷۶-۶۳۲ ق) و ملای جزیری کرد (۹۷۵-۱۰۵۰ ق)، مملو از موضوعاتی همچون: صبای شفابخش، صبای پیام‌رسان، صبای حیات‌بخش و صبای دلنواز و ... است؛ و نام آنان در حوزه عرفان و تصوف در کنار نام کسانی چون شیخ اشراق سهروردی، ابن عربی، صدرالدین قونوی، مولوی بلخی و مولانا خالد شهر زوری، جای گرفته است و اشعار آنان که مزین به موضوعات عرفانی است، در حلقه‌های ذکر صوفیه سروده می‌شده‌اند. در این مقاله دیوان اشعار این دو شاعر عارف، با تکیه بر موضوع باد صبا، به روش توصیفی - تحلیلی بر پای مکتب تطبیقی فرانسه، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اشعار هر دو شاعر وجه تشابه فراوانی به هم دارند. این تشابهات بیان می‌دارند که موضوع باد صبای دو شاعر از یک سرچشمه‌ی فکری که نگرش عارفانه به این موضوع هست جاری شده است.

واژگان کلیدی: عرفان اسلامی، باد صبا، بررسی تطبیقی، ابن فارض، ملای جزیری.

لیکۆلینه‌وه‌یه‌کی به‌راوردکاری له‌بای سه‌با له‌دیوانی ئه‌یبن فه‌رید و مه‌لا الجزیری

ئه‌حمه‌د شه‌ریعه‌ت په‌ناه

دکتۆرا له‌ زمان و ئه‌ده‌بی عه‌ره‌بی، توێژه‌ری سه‌ربه‌خۆ هه‌وای به‌یانی یه‌کێکه‌ له‌ بابه‌تگه‌لی گرنگ له‌ عه‌رفانی ئیسلامیدا که‌ شایه‌نی لیکۆلینه‌وه‌یه‌، به‌و پێیه‌ی شاعیرانی عه‌رفان و سۆفی به‌ شیوه‌یه‌کی به‌ره‌راوان له‌ زۆریه‌ی کۆمه‌له‌ شیعره‌کانیاندان باسیان له‌ بابه‌تی هه‌وای به‌یانی کردوه‌. کۆمه‌له‌ شیعره‌کانی شاعیری عه‌رفانی عه‌ره‌بی زمان ئه‌یبن فه‌رید (۵۷۶-۶۳۲ کۆچی) و مه‌لا جزیری کورد (۹۷۵-۱۰۵۰ کۆچی) پرن له‌ بابه‌تگه‌لیکی وه‌ک؛ هه‌وای به‌یانی چاره‌سه‌رکه‌ر، هه‌وای به‌یانی نێردراو، هه‌وای به‌یانی ژیانه‌خش، و هه‌وای به‌یانی خۆش و هتد؛ و ناوه‌کانیان له‌ بواری عه‌رفان و سۆفیگه‌ریدا له‌پال ناوی که‌سانی وه‌ک شیخ نیشراق سوهره‌وه‌ردی، ئه‌یبن عه‌ره‌بی، سه‌در الدین قونه‌وی، مه‌لاوی به‌لخی، و مه‌لاوی خالید شه‌هر زوری دانراون و شیعره‌کانیان که‌ به‌ ته‌وه‌ری عه‌رفانی رازاوه‌ته‌وه‌، له‌ بازنه‌ی زیکه‌ره‌کانی سۆفیگه‌ریدا ناماده‌کراون. له‌م وتاره‌دا کۆمه‌له‌ شیعره‌کانی ئه‌م دوو شاعیره‌ عه‌رفانییه‌، به‌ پشته‌ستن به‌ بابه‌تی هه‌وای به‌یانی، به‌ شیوه‌یه‌کی وه‌سفیه‌ی-شیکاریی له‌سه‌ر به‌مه‌ی قوتابه‌خانه‌ی به‌راوردکاریی فه‌ره‌نسی، لیکۆلینه‌وه‌یان له‌سه‌ر کراوه‌. ده‌رئه‌نجامی لیکۆلینه‌وه‌که‌ ده‌ریده‌خات که‌ شیعری هه‌ردوو شاعیر لیکچووینیکی زۆریان هه‌یه‌. ئه‌م لیکچوونانه‌ ناماژن بۆ ئه‌وه‌ی که‌ ته‌وه‌ری هه‌وای به‌ره‌به‌یانی هه‌ردوو شاعیر له‌ یه‌ک سه‌رچاوه‌ی فیکرییه‌وه‌ پڕاوه‌ که‌ ئه‌مه‌ش هه‌لۆیستیکی عه‌رفانییه‌ به‌رامبه‌ر به‌م بابه‌ته‌.

وشه‌ی سه‌ره‌کی: عه‌رفانی ئیسلامی، بای سه‌با، لیکۆلینه‌وه‌ی به‌راوردکاری، ئه‌یبن فه‌رید، مه‌لا جزیری.

۱-مقدمه

صبا: یه‌کی از زیباترین و پر استعمال ترین واژه‌ها در ادبیات و عرفان اسلامی است، به‌همین خاطر، شارحان در توضیح و تفسیر معنای آن، مطالب فراوانی نوشته‌اند. صبا در لغت بادی است که‌ صبح در وقت طلوع آفتاب از ناحیه‌ی مشرق می‌وزد و در اصطلاح، به‌صورت‌های گوناگون تعریف شده‌ است. صبا در اصطلاح عبدالرزاق کاشی، نفعات رحمانیه‌ است که‌ از جهت مشرق روحانیات می‌آید. (ابن عربی، ۱۳۷۹: ۱۳۱ و ۱۶۶). عبدالغنی نابلسی در مورد صبا گوید: "هی کنايه عن الارواح المنفوخة فی الهياكل النورانية أو الترابية الأرضية المرضية". البورینی و النابلسی، (۲۰۰۷: م: ۱۳۶). "از ابن عمر روایت شده‌ که‌ بادها هشت نوع هستند، چهارتا از این بادها عاصف، قاصف، صرصر و عقیم نام دارند؛ باد عذاب هستند و چهارتا از این بادها؛ ناشرات، مبشرات، مرسلات و ذاریات نام دارند باد رحمت هستند. از پیامبر (ص) روایت شده‌ که‌ به‌وسیله‌ باد صبا

نصرت یافتم و قوم عاد به وسیله باد دبور به هلاکت رسیدند. از کعب روایت شده "لو حبس الله الريح عن عباده ثلاثة أيام لأنتن أكثر الأرض". اگر خداوند سه روز باد را از زمین بگیرد اکثر زمین گندیده می‌شود. (النيسابوري، ۱۴۱۶ هـ، ج ۳: ۲۶۱). "بادی که بوی یوسف را به مشام یعقوب-علیه السلام- رساند، باد صبا بود" (السمعاني، ۱۴۱۸ هـ ج ۳: ۶۳). چهار باد داریم، جنوب، شمال، صبا که قبول هم گفته می‌شود و دبور؛ که در بین این بادها تنها دبور مذموم است و سه باد دیگر محمود هستند. در قرآن کریم نام هر بادی که به لفظ جمع آمده خیر است و هر بادی با لفظ مفرد آمده شر است برای همین هنگام وزیدن باد پیامبر (ص) می‌فرمود: "اللَّهُمَّ اجعلها رياحاً ولا تجعلها ريحاً" «خداوند این باد را باد رحمت قرار دهید و باد عذاب قرار ندهید». به همین خاطر فرمود: "نُصِرْتُ بالصبا، وأهلك عَادٌ بالدبور" «به وسیله باد صبا نصرت یافتم و قوم عاد به وسیله باد دبور هلاک شد». (الکرماني، د. ت. ج ۱: ۱۸۸).

در قرآن کریم به صراحت از مصخر شدن باد برای حضرت سلیمان و در اختیار او قرار گرفتن برای استفاده از امورات روزمره ذکر گردیده است. وَلَسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (انبیاء، ۸۱). ما باد تند و سریع را فرمان‌بردار سلیمان کرده بودیم تا به فرمان او به سوی سرزمینی حرکت کند که پر خیر و برکتش ساخته بودیم؛ و ما بر هر چیزی آگاه و دانا بودیم (نرم‌افزار نور). خداوند که باد را خلق کرده یکی از ضرورت و لوازمات زندگی است به همین خاطر شیخ سعدی (۱۳۸۶: ۱۸). چنین سروده است:

ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری
صبا، صَبَوةٌ و صَبَوٌ: اشتیاق و رزیدن. شذا: در لغت به معنای بوی خوش است
و در اصطلاح عبارت است از اخبار لطیفه و اسرار والا و علوم لدنیّه و معارف
رحمانیه‌ای که روح از ناحیه‌ی حقیقت ربّانی به‌سوی حقیقت انسانی منتقل
می‌کند.

۱-۱- مبحث تحقیقات تطبیقی ادبی در حوزه‌ی ادبیات عرفانی در آثار
شاعران عارف عرب و کردزبان، از آن سلسله مباحثی است که جای خالی
آن‌ها در تحقیقات دانشگاهی به چشم می‌خورد. به‌ویژه ابن‌فارض و
ملای جزیری که هردو از سرآمدان عرفا و ادبای عصر خود بوده‌اند. بدیهی

است بررسی تطبیقی باد صبا در دیوان این دو شاعر امر ضروری است که می‌تواند به غنای تحقیقات دانشگاهی در این زمینه کمک نماید.

هدف اصلی این پژوهش تطبیقی ضمن شناساندن اجمالی دو شاعر، تعریف و تبیین و مقایسه مقول باد صبا و به تبع آن بیان تشابهات اندیشه‌های آنان، در خصوص باد صبا هست. دستاوردهای دو شاعر در مورد باد صبا چیست؟

دو شاعر باد صبا را چگونه توصیف و تعریف کرده‌اند؟

ابن فارض و ملای جزیری باد صبا را پیام‌رسان و شفابخش دانسته‌اند.

با توجه به اشتراکات دینی، هم‌جواری دو ملت و هم‌مسلك بودن دو شاعر در تصوف، اشتراکات مضمونی و لفظی فراوانی در تعریف و توصیف باد صبا در اشعار دو شاعر وجود دارد.

این جستار بر اساس روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر پای مکتب تطبیقی فرانسه و با مطالعه دیوان اشعار دو شاعر و نیز سایر منابع تحقیقی و تاریخی مربوطه انجام گرفته است، با توجه به تحقیقات، بررسی و جستجوی که در کتابخانه‌ها، گوگل و... انجام شده این تحقیق، در رابطه با موضوع بررسی باد صبا در دیوان ابن فارض و ملای جزیری، گام نخست به شمار می‌آید، امید است برای اهل تحقیق مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۲ پیشینه تحقیق

بر دیوان دو شاعر شرح‌های نگاشته شده‌اند ولی به صورت بررسی تطبیقی در این مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است و می‌توان به کارهای علمی که بر دیوان دو شاعر انجام شده به موارد زیر اشاره کرد.

۱- مقالة بررسی اجمالی اندیشه‌های مشترک مولانا و ابن فارض، محمدعلی ابوالحسنی.

۲- مقالة الإيقاع الداخلي في شعر ابن الفارض دراسة بنيوية شكلية، كبری راست‌گو.

۳- ابن الفارض شاعر الغزل في الحب الالهي تأليف دكتور علي نجيب عطوي.

۴- شعر عمر ابن الفارض دراسة في فن الشعر الصوفي تأليف دكتور عاطف جودة النصر.

۵- گزیده‌ای از دیوان سلطان العاشقین ابن فارض ترجمه و توضیح محمد هادی مرادی.

۶- مقالة ابن فارض، شاعر حب الهی، علیرضا ذکاوتی قراگزلو.

- ۷- مقالة التحليل النفسى لأشعار ابن الفارض فى ضوء منهج النفسى الإيجابى، لمارتن سليجان، زينب مهدوى پيله ورد.
- ۸- مقالة الغزل الصوفى عند ابن الفارض و جامى، فاطمه نصراللهى.
- ۹- مقاله ذكر الطاف الهى و مواهب رحمانى در اشعار ابن فارض مصرى و حافظ شيرازى، دكتور طاهره چال دره.
- ۱۰- مقاله بررسى وجوه اشتراك حجاب و موانع وصل در تائيه ابن فارض و تمهيدات عين القضاات همدانى، سكينه طالبزاده.
- ۱۱- مقاله بررسى سيمای معشوق در شعر ابن فارض، آمنه دهقانى.
- ۱۲- مقاله، غربت عارفانه در شعر حافظ و ابن فارض، دكتور محمود حيدرى/ داوود رمضانى پارساى
- در رابطه با ديوان اشعار ملای جزیری، شرح و توضيح كمترى به رشته نگارش درآمده است از جمله:
- ۱- شعر التصوف بين الشيخ الجزيرى و ابن الفارض، مجيد ملك محمد الدوسكى.
- ۲- مقاله تأثير پذيرى ملای جزيرى از حافظ شيرازى در مضمون عشق، هادى بيدكى.
- ۳- مطالعه تطبيقى خمريات در ديوان حافظ شيرازى و ملای جزيرى، رساله دكتورى، هيمن كريم محمد صالح.
- ۴- مهره مين خودى د هزارا مه لای جزيريدا، حسين نوسمان نوبدوره حمان/ محمدهد بكر محمدهد.
- ۵- الشيخ الجزيرى نهجه و عقيدته من خلال ديوانه الشعريه تأليف نايف طاهر ميكائيل.
- ۶- فهرهنگى سؤفيانهى ديوانى جزيرى و مه حوى، دكتور ئيبراهيم ئه حمدهد شوانى.
- ۷- نور و شيوه كانى له شيعرى جزيريدا، دكتور يادگار رسول باله كى/ دكتور هيمن عومهر خوشناو.
- ۸- زولف و ده لاله ته كانى له شيعرى مه لای جزيرى دا. دوكتور، هيمن عومهر ئه حمدهد.
- ۹- مقاله فناء فى الله و وحدت وجود، از دیدگاه ابن فارض و ملای جزيرى، شريعت پناه، احمد.
- ۱۰- مقاله حديث عشق در ديوان ابن فارض و ملای جزيرى شريعت پناه، احمد.
- ۱۱- مقاله تجلى جمال محبوب در ديوان ابن فارض و ملای جزيرى، شريعت پناه، احمد.
- با اين وجود در باب تطبيق باد صبا در ديوان اين دو عارف شاعر، اين جستار گامى نخستين به شمار مى آيد، اميد است گوشه اى از تفكرات و آموزه هاى شاعران عارف را نشان دهد.

۱ - ۳ - شناخت نامه ابن فارض

ابوحفص ابوالقاسم عمر بن ابی الحسن علی بن المرشد بن علی، ملقب به سلطان العاشقین و معروف به ابن فارض در چهارم ذی القعدة (۵۷۶ یا ۵۷۷ ق) در شهر قاهره دیده به جهان گشوده (ابن خلکان، ۱۳۱۰، ج ۳: ۴۵۵؛ منذری، ۲۰۰۷، ج ۳: ۳۸۹؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۹۸۹، ج ۶: ۲۸۸؛ (۱۴۱۲)، ج ۳: ۲۳۱؛ ابن تغری بردی، ۱۳۴۸، ج ۶: ۲۸۸؛ بورینی و نابلسی، ۱۳۱۰: ۳۱). پدر ابن فارض از شهر حمه سوریه به مصر مهاجرت کرده و در آنجا به کار وکالت و دفاع از حقوق زنان - در مقابل مردان - نزد حکام پرداخته و از این رو به (فارض) اشتها یافته است. ابن فارض تحت سرپرستی پدرش با پاک دامنی و زهد پرورش یافته و وقتی به سن رشد رسیده است به فراگیری فقه شافعی پرداخته و حدیث نبوی را از ابن عساکر و حافظ منذری و دیگران آموخته است. (ابن عماد، ۱۳۵۱، ج ۵: ۱۴۹). وی در دوران سلطنت ایوبیان که تأثیر بسزای در رشد علوم معقول و منقول در جهان عربی و اسلامی داشته بزرگ شده (میر قادری، ۱۳۹۰: ۱۰)؛ و آنگاه به خلوت و سلوک صوفیه راغب گشته و راه زهد و تجرد را در پیش گرفته سرانجام وی در ۵۶ سالگی در روز سه شنبه دوم جمادی الاولی ۶۳۲ در صحن خطابه جامع ازهر درگذشت. (ابن خلکان، ۱۳۱۰، ج ۳: ۴۵۵) و فردای آن روز در قرافه، دامنه کوه مقطم در کنار مسجد معروف به (عارض) نزدیک آرامگاه شیخ بقال دفن شده. (ابن خلکان، ۱۳۱۰، ج ۳: ۴۵۵؛ مرادی، ۱۳۹۲: ۱۵؛ جودی نعمتی، ج ۴: ۳۷۶). ابن فارض شاعر ممتازی است که استعداد شاعری را به کمال داراست که احساس و ادراک دینی و عرفانی او در حد کمال قرار گرفته است. برخی معتقدند که ابن فارض پایه گذار زبان رمزی (symbolism) در شعر عرب است (ابن زیات، ۲۰۰۹: ۳۵۴؛ فروخ، ۱۹۴۷: ۱۰۰ - ۱۰۱)؛ اما اگر چنین هم نباشد، وی بی شک از تجربه ها و ابداعات گذشتگان در این امر، یعنی از ادبیات صوفیانه و خصوصاً از شطحیات صوفیه، به نحو شایسته ای استفاده کرده و آن را در شعر خود به کمال رسانده است. زبان رمز و بیان کنایه آمیز به شعر او نیرو و دامنه تأثیر بسیار بخشیده و یکی از مهم ترین علل بسط و رواج آن نیز همین کیفیت است. اوج شعر ابن فارض در قصیده تائیه کبری جلوه گر است. این قصیده با بیش از ۷۶۰ بیت، بیش از نیمی از کارنامه شعری او را دربر می گیرد و علاوه بر این نمایانگر سلوک معنوی اوست. ابن فارض بعد از آن که پیامبر (ص) را به خواب دید، به اشاره آن حضرت این قصیده را (نظم السلوک) نام نهاد او خود معتقد است که آنچه در این قصیده به طالبان می بخشد، از مواهب الهی است که به وی رسیده است، شعر ابن فارض متأثر از سبک

شعری روزگار وی و آکنده از انواع صناعات بدیعی است و دیوان او به‌ویژه در مواردی که به تکلف گرایده است، از عیوب و تعقیدات شعری خالی نیست، ولی بااین‌همه آراستگی کلام و ذوق او در انتخاب الفاظ به سروده‌های او امتیاز خاص بخشیده است. (شفیعی کدکنی، ۱۹۷۹: ۱۶۰؛ مقدسی، ۱۹۸۳: ۴۵۹؛ جودی نعمتی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۷۶). آثار ابن‌فارض شامل سه مجموعه اصلی است. دیوان ابن‌فارض که توسط شیخ علی نوه دختری او گردآوری شده است، شامل قصاید، دوییتی‌ها، الغاز و موالی است و نخستین بار در ۱۲۵۷ ق در حلب به چاپ رسید و پس از آن بارها تجدید چاپ شده است. دو دیگر قصیده عرفانی میمیه یا خمیره است که در وصف شراب حب الهی سروده است. (حاجی خلیفه، ۱۹۹۶، ج ۱: ۲۶۶؛ بروکلمان، ۲۰۰۸، ج ۱: ۴۶۳-۴۶۴؛ جودی نعمتی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۷۶). در کل باید زندگی ابن‌فارض را به چهار قسمت تقسیم کرد، دوران کودکی و نوجوانی، دوران تجرد در کوه‌های اطراف، دوران پانزده‌ساله سکنی گزیدن در اطراف مکه و بعدازآن بازگشت از مکه تا هنگام فرارسیدن مرگ ایشان. (عکام، د، ت: ۱۳۳؛ حلمی، د-ت: ۴۲).

۱- ۴- شناخت نامه ملای جزیری

(سلطان المشتاقین) شیخ احمد فرزند شیخ محمد، معروف به ملای جزیری. علی‌رغم جایگاه علمی و عرفانی وی اما تا این اواخر کسی در مورد سرگذشت و زندگی‌نامه آن شیخ بزرگ کنکاش و مطالعه نکرده است. در اوایل قرن گذشته به‌ندرت اشخاصی سعی در شناختن و شناساندن وی انجام داده‌اند اما چون این تحقیقات بازمان زندگی شاعر فاصله زمانی زیادی داشته؛ زندگی‌نامه آن مرد بزرگ در هاله‌ای از ابهام هست. بیشتر از چهار قرن اختلاف نظر در مورد ولادت ملای جزیری وجود دارد، به تحقیق و تفحص زیاد نیاز است تا روشن شود که به‌درستی وی چه زمانی؟ و چگونه؟ زندگی کرده است. به اتفاق آراء نام او شیخ احمد بوده و اهل جزیره بوتان (ابن‌عمر) واقع در ساحل رود دجله نزدیک رشته‌کوه آرارات. (صادقی، ۱۳۸۹: مقدمه؛ به‌حرکی، ۲۰۱۰: ج ۱). تخلص وی در اشعارش گاه‌گاهی «ملا» گاهی «مه‌لئ» و بعضی اوقات «نشانی» بوده است ملا و مه‌لئ به معنی دانا در علوم دینی است برای وجه‌تسمیه «نشانی» هم جای پرتاب تیر است که اشاره به این دارد که به‌وسیله تیر عشق زخمی شده است یا شاید منظورش صورت یار بوده که کردهای کرمانج به خال روی صورت «نیشان» می‌گویند یعنی خودش را به آن خال روی صورت یار نام‌گذاری کرده است. (بلج شیرکو، ۱۹۳۰: ۲۳). وفات ملای جزیری را ۱۱۶۰ میلادی در شهر جزیر بوتان نوشته است.

جزیری در یک خانواده اهل علم چشم به جهان گشود پدر و اجداد وی همه اهل دیانت و طریقه نقشبندی بوده‌اند. (نایف طاهر، ۲۰۰۵: ۳۸). ملای جزیری در دوران کودکی نزد پدرش تحصیل کرده و در نوجوانی مانند همه طلبه‌های علوم دینی (فقّی‌ها) در کردستان برای تعلیم و درس خواندن به بسیاری از شهرها و روستاها سفر کرده و از افراد گوناگون کسب علم نموده است و در سن ۳۲ سالگی نزدیک روحانی به نام ملا طه در روستایی به نام "سترباس" فارغ‌التحصیل شده (اجازنامه علمی گرفته) و درجایی به نام "سربا" نزدیک دیار بکر شروع به امامت، خطابت و تدریس کرده است بعد از آن به شهر حسن کیف - یکی از شهرهای باستانی کردستان ترکیه - رفته، مشغول به تدریس شده و شاگردان خوبی را تربیت کرده است (امین زکی بک، ۱۹۴۷: ۲۰۷-۲۰۸؛ سجادی، ۱۹۵۲: ۱۵۶-۱۷۹). در همین ایام شیخ احمد، عاشق سلمی دختر حاکم حسن کیف می‌شود اما چون عشق مجازی نبوده با توجه به این که حاکم شهر دختر را پیش کش جزیری می‌کند و پول را به وی می‌دهد که برای عروسیش لباس و لوازمات عروسی بخرد وی تمام شهر موصل را گشته، لباسی در شأن سلمی نیافته، پول را به حاکم برگردانده و هیچ‌گاه ازدواج نکرده است. (الجزیری عبدالسلام، ۲۰۰۴: ۱۳) دیوان ملای جزیری برای اولین بار در سال ۱۹۰۴ همراه با یک تصویر خیالی توسط مستشرق المانی به نام فون هارتمسن در برلین به چاپ رسیده است. در دیوان ملای جزیری شعری هست که برای میر عمادالدین خان خانان نوشته و با او مشاعره کرده اکثر تاریخ نویسان را به اشتباه برده یکی گفته حاکم تبریز است و دیگری گفته حاکم موصل است و برای همین دنبال آن حاکم گشته‌اند که موجب شده قرن‌ها بر سر ولادت و فوت جزیری اختلاف داشته باشند در حالی که شهر جزیره پایتخت حکمرانان کرد بوده است؛ و اکنون هم نشانه‌های از آن دیوار مرمری که به اطراف شهر کشیده موجود هست. ملای جزیری، امیر را خان خانان و شاهنشاه معظم خطاب می‌کند؛ و در توصیف بزرگی امیر شهر می‌گوید: "گرچی در ثقلیمی رابع هاته تختی سلطنت". (فقّی ته‌یران، ۲۰۰۵: ۱۸۴) مشخص است که جغرافی دانان قدیم طول و عرض زمین را به هفت اقلیم تقسیم کرده‌اند و هر قسمت را اقلیم گفته‌اند و شهر جزیره در این تقسیم‌بندی در اقلیم چهارم بوده است. جزیری در حق آن امیر کُرد که اسلام را ترویج کرده، از خدا می‌خواهد او را حاکم هفت اقلیم نماید (زفنگی، ج ۱، ۱۹۸۷: ط) همچنین در گفت‌وگوی شاعرانه‌ای میان جزیری و شاعر نام داری به نام فقیه طیران در یکی از اشعار خود زیر اسم «دلو رابه دلو رابه!» تاریخ آن روز را هزار و چهل و یک نوشته به همین سبب مسجّل است که جزیری در اواخر قرن ده هجری به دنیا آمده و در قرن یازده هم زندگی کرده است. (فقّی ته‌یران، ۲۰۰۵: ۱۸۴؛ زفنگی، ج ۱، ۱۹۸۷: ن) جزیری در دوازده علم

بسیار پرتوان و دانا بوده است؛ زبان‌های عربی، فارسی و ترکی را به‌خوبی می‌دانسته با آن سه زبان و زبان مادری هم بسیار شیوا و فصیح شعر گفته است. جزیری در مسجد سور جزیر تدریس می‌کرد بعد از مرگش در سن ۷۵ سالگی در زیرزمینی در همان مسجد به خاک سپرده شده و تاکنون هم یک زیارتگاه است (محمد صالح ابراهیمی ۱۳۶۴: ۲۰۰-۲۰۴؛ دوسکی، ۲۰۰۵: ۱۹-۲۶).

۲- گذارش تطبیقی

چون باد صبا از دیار محبوب سرچشمه می‌گیرد و با وزیدن بر آلال‌ها و گیاهان خوشبو و اثرگذاری بر رخسار منور محبوب سبب محبوبیت وی گشته است، دو شاعر در اشعار خود باد صبا را این چنین توصیف و حامل بوی خوش می‌دانند.

۲- ۱ باد صبا حامل بوی خوش

ابن‌فارض در مورد باد صبا چنین سروده است

و متی ما سرّاً نجد عبثاً	عبرت عن سرّ می و اُمی
ما حدیثی بحدیث کم سرّ	فأسرت لبّتی من بُبی
أی صبا أی صبا هجت لنا	سحراً من أين ذیالك الشدی
ذاک إن صافحت ریان الکلا	و تحرّست بجوذاّن کلّی
فلذا تُروی و تُروی ذا صدی	وحديثا عن فتاة الحيّ حي

(ابن‌فارض: ۱۹۵۱، ص ۱۱)

«هرگاه صبا بر سرزمین معطر نجد بگذرد، راز می و اُمی را آشکار سازد. سخن من کلام تازه‌ای نیست. چه بسیار که باد صبا وزیده و خبر پیام‌آوری را پنهان داشته است. ای باد صبا! در این سحرگاه چه شوقی در جان ما انگیزه‌ای! این رایحه دل‌انگیز از کجاست؟ آیا بر فراز گیاهان خوشبوی کوهساران منطقه کلیه گذر کرده‌ای؛ که این‌سان تشنگانی را سیراب می‌کنی؟ و خبرهای تازه را از نازنینان قبيله، به گوش می‌رسانی؟!».

و روى أحاديث الأحيّة، مُسنداً، عن إذخرٍ بأذاخرٍ و سخاء

(ابن‌فارض: ۱۹۵۱، ص ۶۹)

«نسیم، احادیث یاران را به اسناد کوم [گیاه خوشبو] سرزمین ازاخر، به نرمی روایات کرد».

ملای جزیری باد صبا را چنین می‌بیند و توصیف می‌کند:

من دین لبه ژنا عه ره رین تایین زه بادو عه نه رین
بایی سه با دا چه نه رین زولف چونه سه نورنا سه مه د

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۲۳۱)

«من بر روی قامت عرعرین، گردنبندی از جواهر و زیورآلات را دیدم که بوی مشک می داد، در این هنگام باد صبا وزید و زلف ها بالا رفتند و به صورت نورانی مالیده شده اند».

من دی سه با دایی سه حهر ماداری به درّی کردو کهر
قه وس و قه زهح ژئی هاته ده ر دیسا به زولفانرا ته با

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۳۲)

«من باد صبا را دیدم، هنگام سحر ماه را دو قسمت کرد، رنگین کمان از وی پیدا شد و به دنبال آن، زلف های می درخشید».

ابن فارض از باد صبا سؤال می کند که در این سحرگاه چه شوقی در جان ما انگیزخته است! این رایحه دل انگیز از کجاست؟ آیا بر فراز گیاهان خوشبوی کوهساران و آلاله های اطراف دشت های کلیه گذر کرده است که این سان، تشنگان را سیراب می کند و خبرهای تازه را از نازنینان قبیله، به گوش می رساند؟! همچنین صبا را آورنده باد خوشبو و معطر سرزمین نجد می داند، راز می و اُمی را در میان می گذارد که کنایه از محبوب هستند و حضرت ذات الهی مدنظر شاعر است و ملای جزیری بر روی قامت عرعرین، گردنبندی از جواهر و زیورآلات را دیده است که بوی همچون مشک داده است، در این هنگام باد صبا وزیده و زلف ها را بالا برده است و به صورت نورانی محبوب مالیده شده اند؛ وی همچنین باد صبا را دیده که هنگام سحر ماه را دو قسمت کرده است و رنگین کمان از وی پیدا شد است و به دنبال آن زلف هایش درخشیده است. ماه کنایه از رخ زیبای محبوب است. از دید و نگاه دو شاعر باد صبا آورنده پیام محبوب از راه دور و رساندن بوی عطرآگین یاران است دو شاعر به این آیه از قرآن کریم اشاره دارند. وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تَفَنَّدُونِ (یوسف: ۹۴). هنگامی که کاروان حرکت کرد، پدرشان گفت: اگر مرا بی خرد و بی مغز ننماید، من واقعاً بوی یوسف را می بویم! (تفسیر نور). هم چنانکه ابن فارض باد را سبب رساندن بوی گیاهان خوشبوی نجد که کنایه از پیامبر و یاران باوفایش است، خوشبو می داند و ملای جزیری باد صبا را سبب بالا بردن زلف و هویدا شدن رخسار زیبای محبوب می داند.

۲-۲ صبای شفا بخش

ابن فارض و ملای جزیری باد صبا را لطیف و وسیله شفا می دانند و چنین سروده اند:

أَرَبْتُ لَطَافَتَهُ عَلَى نَشْرِ الصَّبَا وَأُبْتُ تَرَاثُتَهُ التَّقَمَّصَ لَإِذَا

(ابن فارض: ۱۹۵۱: ۱۴)

«در لطافت از باد صبا، پیشی گرفته است و از ازدیاد نعمت از پوشیدن دیبا سر باز می زند».

سَرْتُ فَأَسَرْتُ لِلْفَوَادِ غَدِيَّةً أَحَادِيثَ جِيرَانِ الْعُذِيبِ، فَسَرْتُ
مُهْنِمَةً بِالرُّوْضِ، لَدُنْ رِدَاوَاهَا، بِهَا مَرَضٌ، مِنْ شَأْنِهِ بُرءٌ عَلَيَّ

(ابن فارض: ۱۹۵۱، ص ۱۶)

«صبای شب رو، اندکی قبل از طلوع آفتاب، سر رسید و اخبار یاران عذیب را برای دل بازگو کرد و مایه سرور و شادمانی آن شد. صبای بیمار در جامه نرم و لطیف خود در میان مرغزار - آهسته و آرام - نغمه سر داده است و در این میانه بیماری او، مایه شفای دردهای من است».

ملای جزیری چنین می گوید:

ترسم موخالیف باده تی زولفین ددورا جبهه تی
راکت قیاما ساعه تی عالم بیت زیرو زه بهر

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۲۴۴)

«ترسم که باد مخالف بر زلف اطراف پیشانی [محبوب] بوزد و در این هنگام قیامت به پا شود و جهان زیر وزبر گردد».

ژ ناخا ناستانی مسته کی بین لداغان دا بینم خواهش سه با تیز

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۲۷۲)

«ای باد صبا، یک مشت از خاک آستانه را زود بیاورید تا بینم جای داغ با خاک آستانه مبارک یار تیمار گردد. [که بر اثر عشق سوخته شده است]».

ابن فارض، باد شب روی صبا را لطیف می داند که اندکی قبل از طلوع آفتاب، سر می رسد و اخبار یاران عذیب را برای دل بازگو می کند و مایه سرور و شادمانی می شود که در میان مرغزار، آهسته و آرام نغمه سر می دهد و مایه شفای دردهاست، ملای جزیری می ترسد که باد مخالف بر زلف اطراف پیشانی محبوب بوزد و در این هنگام جهان زیر وزبر شود و قیامت به پا گردد و از باد صبا می خواهد که یک مشت از خاک آستانه را زود بیاورد تا ببیند جای داغ که بر اثر عشق سوخته شده است با خاک آستانه مبارک یار تیمار گردد؛ دو شاعر باد صبا را آورنده شفا می دانند و شفای امراض خود را در وی می یابند.

ابن فارض و ملای جزیری در مورد مستی بر اثر باد صبا چنین می گویند:

لَهَا بِأَعْيَاشِ الْحِجَازِ تَحَرُّشٌ بِهِ لَابْخَمِرٌ دُونَ صَحْبِي سَكْرَتِي

(ابن فارض: ۱۹۵۱، ص ۱۷)

«[صبا] بر سبزهزاران حجاز وزیده و من به جای شراب از بوی آن سبزه‌ها مست می‌شوم ولی همراهانم آن را درک نمی‌کنند».

لهو سه‌حمر جهولان ددت بایی سه‌بایی راست و چه‌پ

سوسن و سونبول ب مهستی یین سه‌مایی راست و چه‌پ

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۹۰)

«سحرگاهان باد صبا به راست و چپ می‌وزد تا سنبل و سوسن مست شوند و به راست و چپ برقصند».

یاره‌ب نهو گولده‌سته‌یی، باغی ئیره‌م

دور نه‌بت ژئ همرسه‌حمر بادی سه‌با یه

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۸۸۷)

«ای خدا، باد صبا هر صبح دمی از این گلدسته باغ ارم دور نگرده».

ابن فارض بر اثر وزیدن باد صبا به هنگام شب‌روی در میان سبزه‌ها و چمن‌زارهای حجاز که صبا با خود می‌آورد و به مشام می‌رساند، احساس مستی می‌کند. ملای جزیری، وزیدن باد صبا سحری را سبب مستی سوسن و سنبل می‌داند که می‌رقصند و از خدا می‌خواهد که باد صبا، هر صبح دمی از این زلف‌های خوشبو و حلقه‌حلقه شده باغ ارم دور نگرده که در نهایت زیباشناسی و خوش‌ذوقی، زلف‌های حلقه‌حلقه محبوب را به گلدسته تشبیه می‌کند. دو شاعر، باد صبا را خوشبو و مست‌کننده می‌دانند، با این تفاوت که ابن فارض، سبب مستی خود را بوی خوش باد صبا می‌داند و ملای جزیری، مستی طبیعت را به باد صبا برمی‌گرداند.

۲-۴ صبای پیام‌رسان

ابن فارض و ملای جزیری در مورد باد صبا که حامل پیام محبوبان است چنین سروده‌اند:

تُذَكِّرُنِي الْعَهْدَ الْقَدِيمَ لَأَنَّهَا حَدِيثُهُ عَهْدٍ مِنْ أَهْلٍ مَوَدَّتَنِي

نعم، بالصبا، قلبی صبا لأجبتني؛ فیا حبذا ذاك الشذا حين هبت

(ابن فارض: ۱۹۵۱، ص ۱۶)

«باد [صبا]، پیمان‌های دیرینه را به یاد می‌آورد چون تازه از دیدار یاران و عزیزان برگشته است. آری با وزش باد صبا، قلبم به یاد و هوای یارانم افتاد، وه چه دل‌انگیز بود آن رایحه که در آن هنگام، وزیدن گرفت».

ما حدیثی بحديث كم سرت فأسرت لنبی من نبی

(ابن‌فارض: ۱۹۵۱، ص ۱۱)

«سخن من درباره صبا، سخن تازه‌ای نیست. آری او در سفرهای شبانه خود چه رازها و پیام‌ها را به نزد پیامبران برده است!».

ملای جزیری چنین می‌گوید:

باده‌می وه‌قتی مه‌جال دا چو کوئه و یاره پپال دا

قیسه‌سیا حاله‌ی بحال دا گوه ددیرت یاربایه

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۵۳۳)

«هنگامی که امکان داشت، باد پیش محبوب رفت، در حالی که تکیه داده بود حرف دل ما را به زبان حال [نه به زبان قال] به محبوب می‌گفت و محبوب به باد گوش می‌داد».

من دی سه‌با دایی سه‌حمر ما داری به‌دری کردوکر

قه‌وس و قه‌زه‌ح ژئی هاته‌دهر دیسا به‌زولفانرا ته‌با

(زفنگی: ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۳۲)

«من هنگام سحر، باد صبا را دیدم که ماه را دو قسمت کرد و رنگین‌کمان از وی پیدا شد و به دنبال آن زلف‌هایش می‌درخشید».

باد صبا، پیمان‌های دیرینه را به یاد ابن‌فارض می‌آورد، چون تازه از دیدار یاران و عزیزان برگشته است؛ آری با وزش باد صبا و وصول الطاف و توجّهات رحمانی، دلش به یاد و هوای یاران افتاد و چه دل‌انگیز بود آن رایحه که در آن هنگام، به مشام جان رسید! سخن ابن‌فارض درباره باد صبا، سخن تازه‌ای نیست. آری او در سفرهای شبانه خود، چه رازها و پیام‌ها را به نزد پیامبران برده است! ملای جزیری، داستان رفتن باد را به پیش محبوب، بازگو می‌کند درحالی که تکیه داده بود، حرف دل وی را به زبان حال، نه به زبان قال، به محبوب گفته و محبوب به باد گوش داده است و هنگام سحر، باد صبا را دیده که ماه را دو قسمت کرده و رنگین‌کمان از وی پیدا شده و به دنبال آن زلف‌هایش درخشیده است. ماه کنایه از رخ زیبای محبوب است. دو شاعر، باد صبا را پیک محبوب می‌دانند و به وزیدن آن خرسند هستند.

ابن فارض و ملای جزیری در مورد باد صبا که وسیله شفا و حیات بخش است چنین سروده‌اند:

عللوا روجی بأرواح الصّبا فبرّیّاها بعود المیت حی

(ابن فارض: ۱۹۵۱، ص ۱۰)

«با صبا، جان بیمارم را بنوازید که رایحه آن، مردگان را زنده کند».

ملای جزیری چنین می گوید:

ماوه‌را به‌لگین گولئی بو بیهن و بویا کاکولئی بو
داروی قه‌لبی مه‌لئی بو لهو بچه‌هفین من جه‌لایه
یوسفی ده‌وروزه‌مانئی گو نه‌سیم هان فئی نیشانی
لئی ژبو نه‌که‌ئی ده‌هانی نه‌خو‌شان نه‌و لئی شیفایه
با نه‌سیم دئی چی له‌زینی ساغ و سالم ماتو بینیی
فئی کومیدی لئی گه‌هینی دا سواربت لئی په‌پایه

(زفنگی: ۱۹۸۷ ج ۲، ص ۵۲۹)

«محبوب، همراه گل، گلاب برگ گل خوشبو و پرچم زلف را با باد صبا فرستاد؛ آن‌ها درمان درد قلب ملا بودند، به همین سبب همچو سرمه، جلا دهنده چشم من هستند. یوسف این دوران و زمان به نسیم گفت که این نشان را بگیر که به دهان نرسید [محبوب]، شفای درد بیماران است. ای باد نسیم، با سرعت برو، این اسب را بردار و تا سالم است به وی برسید تا سوار شود و وی را سوار بر باد کنید، چون پیاده است».

ابن فارض، باد صبا را سبب شفای درد خود می‌داند و می‌گوید، با باد صبا جان بیمارم را بنوازید که رایحه آن مردگان را زنده می‌کند و ملای جزیری از محبوب که گلاب همراه گل برگ گل خوشبو و پرچم زلف را با باد صبا فرستاده است، پرده برمی‌دارد که آن‌ها درمان درد قلب ملا بودند، به همین سبب همچو سرمه، جلا دهنده چشم وی هستند که اشاره به برگشتن دید چشمان یعقوب است که باد، بوی پیراهن یوسف را آورده است و محبوب خود را در زیبایی به یوسف زمانه توصیف می‌کند که باد نسیم، فرستاده وی است. باد صبا برای دو شاعر شفا بخش و روح نواز است.

۲-۶- نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق بیانگر شباهت‌های معنادار و بنیادینی میان نگرش دو شاعر به باد صبا از قرار زیر

است:

۱. باد صبا به‌عنوان حامل بوی خوش

ابن‌فارض باد صبا را بادی می‌داند که با عبور از سرزمین نجد، راز محبوب را با خود حمل می‌کند و عطر گیاهان خوشبو را به دل عارف می‌رساند. در شعر او، باد صبا وساطت‌کننده بین عاشق و معشوق است. ملای جزیری نیز در وصفی شاعرانه، باد صبا را عامل بالا رفتن زلف‌های یار و جلوه‌گر شدن رخسار محبوب می‌بیند. هر دو شاعر، صبا را مظهر حضور غیر مستقیم معشوق و عنصر بیدارکننده‌ی شوق عرفانی می‌دانند.

۲. باد صبا به‌عنوان شفابخش

در اشعار هر دو شاعر، صبا نه فقط نسیمی لطیف، بلکه عنصری شفابخش است که دردهای درونی و زخم‌های عشق را تسکین می‌دهد. ابن‌فارض از شفای بیماری با رایحه صبا سخن می‌گوید و ملای جزیری از تاثیر صبا بر داغ عشق و سوختگی‌های عاشقانه یاد می‌کند.

۳. باد صبا و مستی روح

ابن‌فارض از باد صبا چون شرابی روح‌نواز یاد می‌کند که بدون جام و ساقی، عاشق را مست می‌کند. ملای جزیری نیز ورزش صبای سحرگاہی را مایه‌ی مستی گل‌ها و رقص سوسن و سنبل در طبیعت می‌داند. در هر دو دیدگاه، مستی حاصل از صبا، نشانه‌ای از شغف روحانی و الهام عرفانی است.

۴. باد صبا به‌عنوان پیام‌رسان

ابن‌فارض، صبا را واسطه‌ای برای انتقال پیام از یار دور می‌داند؛ بادی که پیمان‌های قدیم را زنده کرده و خاطره‌ها را بیدار می‌سازد. جزیری نیز از باد صبا می‌خواهد تا پیام دل را «به زبان حال» به محبوب برساند. در هر دو شعر، صبا حامل رازهای درونی و ترجمان احساسات است.

۵. باد صبا به‌عنوان حیات‌بخش

در نگاه عرفانی ابن‌فارض، صبا آن‌قدر مقدس است که رایحه‌اش توان احیای مردگان را دارد. در اشعار جزیری نیز صبا، واسطه‌ی آوردن گل، عطر، و نمادهای زیبایی از سوی معشوق است و حتی یوسف‌وار، درمان دردهای وجودی عاشق محسوب می‌شود.

به طور کلی تحقیق حاضر نشان داد که هر دو شاعر، با وجود تفاوت زبانی و اقلیمی، نگاهی عمیقاً مشترک به مقوله‌ی باد صبا دارند. این پدیده‌ی طبیعی در شعر آن‌ها از مرز طبیعت فراتر رفته و در نقش واسطه‌ای میان عالم ماده و معنا، انسان و خداوند، عاشق و معشوق ظاهر شده است. باد صبا نزد ابن‌فارض و ملای جزیری، یک «نفس رحمانی» است که به جهان محسوس معنا می‌بخشد و انسان خاکی را به ملکوت پیوند می‌زند.

شباهت‌های فراوان در نوع توصیف، کارکرد معنایی و رمزپردازی از باد صبا در اشعار ابن‌فارض و ملای جزیری، نشان‌دهنده‌ی سرچشمه‌ی واحدی از عرفان اسلامی در ذهن و زبان این دو شاعر است؛ عرفانی که با بهره‌گیری از طبیعت، به بیان رازهای عمیق سلوک انسانی می‌پردازد.

۷-۲ منابع و مراجع

قرآن مجید

نیراهیم نه‌محمد شوان، فرهه‌نگی سؤفیان‌هی دیوانی جزیری و مه‌حوی، چاپی یه‌که‌م، هه‌ولیر، چاپخانه‌ی حاجی هاشم.

نیراهیمی، محه‌مه‌د سألح، (شه‌پۆل) (۱۳۶۴)، ژیناوی زانایانی کورد له جیهانی ئیسلامه‌تی، تاران، چاپخانه‌ی مه‌هاره‌ت.

أمین زکی بک، (۱۹۴۷ م): مشاهیر الكرد وکردستان، ج ۲، نقله الی العربیة، الآنسه کریمه، واضاف الیه الأستاذ محمد علی عونى، الطبعة الاولى، مطبعة السعادة بجوار محافظة مصر.

آذرتاش آذرینوش، (۱۳۸۹): فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ دوازدهم، تهران، نشر نی.

به‌حرکی، مه‌لا تاهیر مه‌لا عه‌بدوڵلا، (۲۰۱۰): میژووی زانایانی کورد، ب ۱، چاپی یه‌که‌م هه‌ولیر، چاپخانه‌ی ناراس.

بروکلمان کارل، (۲۰۰۸ م): تاریخ الادب العربی، نقله الی العربیة، عبد الحلیم النجار، چاپ اول، قم، دار الکتب الاسلامی.

بلج شیرکو (۱۹۳۰ م): القضية الكردية، الطبعة الاولى مطبعة السعادة، بجوار مصر.

البورینی و النابلسی (۲۰۰۷ م): شرح دیوان ابن‌الفارض، جمعه رشید اللبنانی، المحقق: محمد عبدالکریم النمري، الطبعة الثانية بیروت، دار الکتب العلمیة.

پیندروئی، محه‌مه‌د سألح، جگه‌ر سوز، (۲۰۱۲): فرهه‌نگی ره‌سه‌ن، چاپی یه‌که‌م، هه‌ولیر، چاپخانه‌ی روشنبیری.

ابن تغری بردی، جمال‌الدین (۱۹۲۹-۱۹۵۵ م): النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة؛ الطبعة الاولى، قاهره، دارالکتب المصریّة.

ترکه اصفهانی، صائن‌الدین علی بن محمد (۱۳۸۴ ش): نظم‌الدّر، تصحیح اکرم جودی نعمتی، چاپ اول، تهران میراث مکتوب.

الجزری الملا عبدالسلام، (۲۰۰۴ م): شرح دیوان الشیخ الجزری، الطبعة الاولى اربیل، دار سپیریز، لطباعة والنشر.

جودی نعمتی، اکرم، (۱۳۷۵): دائرة المعارف بزرگ جهان اسلامی، ج ۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چاپ سوم، تهران.

حاجی خلیفه، (۱۹۸۲ م): کشف‌الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، ج ۱، بیروت، دار الفکر.

حلمی، محمد مصطفی، (د-ت): ابن‌الفارض و الحب الالهی، الطبعة الثانية، قاهره، دار المعارف.

ابن‌خلکان، (۱۳۱۰ ق): وفيات الاعیان، الطبعة الاولى، بیروت، دار الکتب العلمیة.

درنیقه، محمد احمد، (۱۹۲۷ م): معجم شعراء الحب الالهی، الطبعة الاولى، بیروت، دار و مکتبة الهلال.

الدوسکی، مجید ملک محمد، (۲۰۱۶ م): شعر التصوف بین الشیخ الجزیری و ابن‌الفارض، الطبعة الأولى، هیفی، اربیل.

دؤسکی، ته‌حسین ئیبراهیم، (۲۰۰۵): دیوانا مه‌لای جزیری، چاپی یه‌که‌م، هه‌ولیر، دارسپیریز.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ ش): لغت‌نامه؛ چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران و مؤسسه دهخدا.

ذهبی، شمس‌الدین محمد بن عثمان، (۱۴۱۲): تهذیب سیر اعلام النبلاء، اشرف علی تحقیق‌الکاتب، شعیب الأرئووط، ج ۳، الطبعة الأولى، مؤسسة الرسالة، بیروت.

الزفنگی، احمد بن الملا محمد، مفتی‌القامشلی، (۱۹۸۷ م): العقد الجوهري فی شرح دیوان الشیخ جزری، الطبعة الثانية، مطبعة الصباح.

ابن زیات، محمدابن محمد، (۲۰۰۹ م): الكواكب السيارة في ترتيب الزیارة، الطبعة الاولى، بیروت، دار ومکتبة بیبلیون.

شهره فکه نندی، عبدالرحمن، (۱۳۹۳ ش): دیوانی عارفی ره‌بانی شیخ نه‌حمه‌دی جزیری ناسراو به مه‌لای جزیری، چاپی دووهم، تاران، چاپه‌مهنی پانیز.

شهره فکه نندی، عبدالرحمن (هه‌ژار)، (۱۳۷۶ ش ۱۹۹۹ م): هه‌نبانه بۆرینه، فه‌ره‌ه‌نگی کوردی- فارسی، چاپی دووهم، تاران، سروش.

صادقی شفیع (۱۳۸۹ ش ۲۰۱۰ م): ترجمه و شرح فارسی دیوان عارف ربانی ملای جزیری، چاپ اول، ارومیه انتشارات حسینی اصل.

عکام، محمود، (د، ت): الموسوعة الإسلامية المیسرة، دمشق، دار صحاری.

ابن عماد، عبدالحی ابن احمد (۱۹۵۱ م): شذرات الذهب، الطبعة الاولى، قاهره، مکتبة القدسی.

عاطف جودة نصر (د: ت): شعر عمر ابن الفارض، دراسة فی فن الشعر الصوفي، بیروت، دارالاندلس.

عطوی، علی نجیب، (۱۹۹۴): ابن الفارض شاعر الحب الالهی، الطبعة الأولى، بیروت، دار الكتب العلمية.

ابن الفارض، أبی حفص عمر، (۱۹۵۱): دیوان، مکتبة القاهرة.

ابن الفارض، عمر بن علی (۱۹۸۳ م): دیوان، الطبعة الثانی، بیروت، دار الكتب العلمية.

فروخ، عمر (۱۹۴۷ م): التصوف فی الاسلام، الطبعة الاولى، بیروت، مکتبة منیمة.

فهقی ته‌یران، محمد، (۲۰۰۵): دیوانا فهقی ته‌یران، وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده، هه‌ولیر.

الکرمانی، محمود بن حمزة بن نصر، أبو القاسم برهان الدین، (د.ت): غرائب التفسیر وعجائب التأویل، دار القبلة للثقافة الإسلامية، جدة.

مرادی، محمد هادی، (۱۳۹۲ ش): گزیده‌ای از دیوان سلطان العاشقین، ابن فارض، ترجمه و توضیح، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مردوخ، محمد مردوخ کردستانی، (۱۳۶۲ ش): فرهنگ مردوخ، کردی، فارسی، عربی، سندج، چاپ ناشرغریقی، چاپ اول.

معلوف، لويس، (۱۹۸۰): المنجد، الطبعة الرابعة والعشرين، بيروت، المطبعة الكاتوليكية.

منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، (۲۰۰۷ م): صلة التكملة لوفيات النقلة، محقق: بشارعواد معروف، الطبع الاول، بيروت، دار الغرب الاسلامی.

مقدسی، انیس، (۱۹۸۳ م): امراء الشعر العربی فی العصر العباسی، الطبع الاول، بيروت، مطبعة الادبية.

میر قادری، سید فضل الله / اعظم السادات، (۱۳۹۰ ش): دیوان سلطان العاشقین ابن فارض مصری، چاپ اول، قم، آیت اشراق.

نائف طاهر میکائیل، (۲۰۰۵ م): نهجه و عقیدته من خلال دیوانه الشعری، الطبع الاول، اربیل، دار سپیریز لطباعة و النشر.

النیسابوری، نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی، (۱۴۱۶ هـ): غرائب القرآن ورغائب الفرقان، المحقق: الشیخ زکریا عمیرات، الطبعة: الأولى، دار الکتب العلمیه - بیروت.

هیمن کریم محمد صالح. (۱۴۰۰): مطالعه تطبیقی خمریات در دیوان حافظ شیرازی و ملای جزیری، رساله دکتری، دانشگاه کردستان.

مقالات:

ابوالحسنی، محمد علی، (۱۳۹۰ ش): بررسی اجمالی اندیشه‌های مشترک مولانا و ابن فارض، مطالعات عرفانی، شماره ۱۳، صص ۵-۳۵.

بیدکی، هادی، (۱۳۹۶ ش): تاثیر پذیری ملای جزیری از حافظ شیرازی در مضمون عشق، مجله ادبیات تطبیقی، شماره ۱۶، صص ۲۱-۴۲.

بالهکی، یادگار رسول، خوشناو، هیمن عومهر، (۲۰۱۹): نور و شیوه کانی له شیعری جزیری‌دا، شماره، ۲۶ زانکوی سوران.

پيله ورد، زينب مهدي، (۱۴۴۴ ق): التحليل النفسى لأشعار ابن الفارض فى ضوء منهج النفسى الإيجابى، لمارتن سليجان، مجلة آفاق الحضارة الإسلامية، السنة، ۲۵، العدد، ۲، صص ۱۶۹-۲۰۰.

چالدره، طاهره، (۱۳۹۶ ش): ذكر الطاف الهى و مواهب رحمانى در اشعار ابن فارض مصرى و حافظ شيرازى، فصلنامه عرفانيات در ادب فارسى، شماره، ۳۱، صص ۱۳۹-۱۵۱.

حسين نوسمان ثوبدوره حمان/ محمدهد بكر محمدهد، (۲۰۱۴ م): مہرہمین خودی د ہزرا مہ لای جزیریدا، گوفارا زانکویا زاخو، شماره ۲، صص ۲۹۲-۳۱۱.

حیدری، محمود، رمضانی پارسا، داوود، (۱۳۹۷ ش): غربت عارفانه در شعر حافظ و ابن فارض، دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۵، صص ۵۵-۷۵.

دهقانی، آمنه، (۱۴۰۰ ش): بررسی سیمای معشوق در شعر ابن فارض، مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۱۱-۱۳۰.

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۶۵ ش): ابن فارض، شاعر حب الهی؛ نشریه معارف مرکز نشر دانشگاهی، تهران. دوره ۳، اسفند. ۱۳۶۵ شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۴۱.

رائی، محسن (۱۳۸۸ ش ۲۰۰۹ م): مضامین مشترك میان ابن فارض و حافظ؛ مجله تاریخ ادبیات، شماره ۶۳/ صص ۱۴۹-۱۷۴.

راستگو، کبری، (۲۰۱۳ م): الإيقاع الداخلي في شعر ابن الفارض، دراسة بنیویة شكلية، مجلة العلوم الانسانية الدولية، العدد ۲۰، صص ۸۳-۱۰۰.

شریعت پناه، احمد. (۱۴۰۰): فناء فی الله و وحدت وجود، از دیدگاه ابن فارض و ملای جزیری، جستار نامه ادبیات تطبیقی، سال پنجم، شماره، ۱۷، صص ۱۳۳-۱۶۳.

شریعت پناه، احمد. (۱۴۰۰): حدیث عشق در دیوان ابن فارض و ملای جزیری، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی کردستان، سال سیزدهم، شماره، ۴۹، صص ۱۳۹-۱۶۵.

شریعت پناه، احمد، (۱۴۰۱): تجلی جمال محبوب در دیوان ابن فارض و ملای جزیری، پژوهشنامه ادبیات کردی، سال ۸، شماره ۲، صص ۳۵-۵۰.

شیرین کام شهره، (۱۳۹۹): درون مایه عشق در ترانه‌های گیلکی، فصلنامه ادبیات و زبانهای محلی ایران زمین، دوره ۶ شماره ۲ شماره پیاپی ۲۸، صص ۶۱-۷۶.

طالب زاده، سکینه، (۱۴۰۱ ش): بررسی وجوه اشتراک حجاب و موانع وصل در تائیه ابن‌فارض و تمهیدات عین‌القضات همدانی، فصلنامه بهارستان سخن، سال نوزدهم، شماره ۵۷، صص ۱-۲۴.

غفاری، ابوالحسن، (۱۳۹۴): زیبایی‌شناسی و هنر در افلاطون، فصلنامه قبسات، سال بیستم، بهمن ۱۳۹۴، شماره ۲۰، شماره ۷۸.

قلی‌زاده، حیدر و محبوبه، خوش سلیقه (۱۳۸۷ ش): باده و می و تعبیر آن در شعر عرفانی فارسی؛ فصلنامه تخصصی عرفان، سال ششم، شماره ۵۰، صص ۱۶۹-۲۰۳.

نصراللهی، فاطمه، (۱۳۹۰ ش): الغزل الصوفی عند ابن‌فارض و جامی، دراسة نقدية مقارنة فی المضمون، إضاءات نقدية (فصلية محكمة) السنة الأولى، العدد الأول، صص ۱۰۹-۱۲۴.

هیمن، عومهرئه حمده. (۲۰۱۷ م): زولف و ده‌لاله‌ته‌کانی له شیعری مه لای جزیری دا، سال چوارم، شماره ۱۲، صص ۴۷-۷۶.

منابع نرم‌افزاری:

لغتنامه دهخدا، برنامه نویسان مسعود داداشی و منوچهر داداشی.

معجم المعانی، عربی فارسی.

مکتبه الشامله

نرم‌افزار تفسیر نور دکتر مصطفی خرم‌دل.

A Comparative Study of the Wind of Saba in the Divan of Ibn Farid and Mulla Al-Jaziri

Ahmad Shariatpanah

Doctoral student in Arabic language and literature, independent researcher

The morning breeze is one of the important topics in Islamic mysticism that is worthy of research, as mystic and Sufi poets have extensively addressed the subject of the morning breeze in most of their poetry collections. The poetry collections of the Arabic-speaking mystic poet Ibn Farid (576-632 AH) and Mulla Jaziri Kurd (975-1050 AH) are full of topics such as; healing morning breeze, messenger morning breeze, life-giving morning breeze, and delightful morning breeze, etc.; and their names in the field of mysticism and Sufism are placed alongside the names of people such as Sheikh Ishraq Suhrawardi, Ibn Arabi, Sadr al-Din Qunavi, Molavi Balkhi, and Molavi Khalid Shahr-e-Zuri, and their poems, which are adorned with mystical themes, were composed in Sufi circles of remembrance. In this article, the poetry collections of these two mystic poets, relying on the subject of the morning breeze, have been examined in a descriptive-analytical manner based on the French comparative school. The results of the research show that the poems of both poets have many similarities. These similarities indicate that the theme of the morning breeze of both poets flowed from the same intellectual source, which is a mystical attitude towards this subject.

Keywords: Islamic mysticism, Saba's wind, comparative study, Ibn Farid, Mulla Jaziri.